

موسیقی و فرهنگ  
عاشیق، توشمال و گودار

نگارش  
تهمینه جاودسخن

**Shiraz-Beethoven.ir**



نشر خنیاگر

تهران ۱۳۹۸

## فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	فصل اول: عاشیق، توشمال، گودار
	عاشیق
۱۱	۱-۱-۱. عاشیق‌های آذربایجان
۱۱	۲-۱-۱. واژه عاشیق
۱۲	۳-۱-۱. تاریخچه هنر عاشیقی
۱۲	۴-۱-۱. نیاکان عاشیق‌ها
۱۲	۵-۱-۱. معروف‌ترین نوازندگان
۱۳	۶-۱-۱. ساز عاشیقی
۱۵	۷-۱-۱. عاشیق، موسیقی و شعر
۱۸	۸-۱-۱. ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی عاشیق‌ها
	توشمال
۱۹	۱-۲-۱. توشمال‌های لرستان
۱۹	۲-۲-۱. واژه توشمال
۱۹	۳-۲-۱. تاریخچه هنر توشمالی
۱۹	۴-۲-۱. نیاکان توشمال‌ها
۲۰	۵-۲-۱. معروف‌ترین نوازندگان
۲۰	۶-۲-۱. ساز توشمالی
۲۲	۷-۲-۱. توشمال، موسیقی و شعر
۲۶	۸-۲-۱. ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی توشمال‌های لرستان
	گودار
۲۷	۱-۳-۱. گودارهای مازندران
۲۷	۲-۳-۱. واژه گودار
۲۸	۳-۳-۱. تاریخچه هنر گوداری
۲۹	۴-۳-۱. نیاکان گودارها
۲۹	۵-۳-۱. معروف‌ترین نوازندگان
۳۰	۶-۳-۱. ساز گوداری
۳۱	۷-۳-۱. گودار، موسیقی و شعر
۳۲	۸-۳-۱. ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی گودارها

فصل دوم: کارکردگرایی

۳۳	.....	۱-۲. کارکردگرایی
۳۶	.....	۲-۲. جامعه‌شناسی موسیقی
۳۶	.....	۳-۲. محیط‌شناسی فرهنگی
۳۷	.....	۴-۲. اتنوموزیکولوژی
۳۸	.....	۵-۲. نشانه‌شناسی

فصل سوم: تحلیل و تطبیق

۳۹	.....	مقدمه
۴۲	.....	بررسی تطبیقی فرهنگ و موسیقی اقوام عاشیق، توشمال و گودار
۴۳	.....	انواع شعر عاشیقی
۴۴	.....	مقام‌های موسیقی آذربایجان
۴۴	.....	تطبیق انواع موسیقی عاشیق، توشمال، گودار
۴۶	.....	تطبیق سازهای عاشیق، توشمال، گودار
۴۹	.....	نتیجه‌گیری
۵۱	.....	فهرست منابع

## مقدمه

موسیقی محلی و قومی به عنوان بستر اولیه موسیقی کشورها و بخشی از فرهنگ فولکلور و میراث برجای مانده از گذشته تاریخی هر ملت به شمار می آید. فرهنگ فولکلور جنبه های گوناگونی از فرایندهای اجتماعی، تاریخی و آداب و رسوم مردم را در خود منعکس می سازد. تاریخ شکل گیری و زایش هنر فولکلور را نمی توان دقیقاً مشخص کرد اما به نوعی می توان قدمت آن را با حیات و زندگی اقوام همسان پنداشت. هنر فولکلور به دلیل ویژگی هایی که محور آنها انسان، جامعه و معنویات است به سادگی در سراسر منطقه زندگی اقوام گسترده می شود و به نسل های بعد منتقل می شود.

موسیقی یکی از ارکان مهم فرهنگ هر قومی به شمار می آید. گنجینه هنر موسیقی مردمی بخش بسیار مهم حیات معنوی هر ملتی است. موسیقی فولکلور از زنده ترین و جذاب ترین بخش های موسیقی به شمار می آید. پژوهش درباره موسیقی آنها و همچنین فرهنگشان به حفظ موسیقی فولکلور یاری می کند. اهمیت این موضوع مطالعاتی در کشور ما به ویژه از آن روست که ایران دارای موسیقی بسیار غنی است. عدم توجه به جایگاه فرهنگی اقوام تبعاتی چون از بین رفتن یا فراموشی آنها را در پی دارد. محقق بر آن است تا با معرفی اقوام مورد بحث در این پژوهش جایگاه واقعی آنها را معرفی و به مردم ایران و جهان نشان دهد.

جامعه مورد بررسی در این پژوهش شامل سه فرهنگ بومی، زنده و جذاب ایران است که هر سه ایشان صاحب موسیقی بومی هستند که شامل عاشیق های آذربایجان، توشمال های لرستان و گودارهای مازندران می باشد و هر کدام فرهنگ خاص خود را دارند، که با نوع زندگی شان و محیط جغرافیایی که در آن زندگی می کنند متناسب است و از آن

ناشی می‌شود. فرهنگ و موسیقی جامعه مورد مطالعه این پژوهش خصلت درون‌گروهی دارد و مبین شرایط زندگی ایشان است.

قلمرو تحقیق شامل سه منطقه جغرافیایی متفاوت ایران است:

- منطقه جغرافیایی اول شامل قسمت‌هایی از شمال غرب ایران (شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل) است که از لحاظ جغرافیایی جزو مناطق کوهستانی به‌شمار می‌آید،

- منطقه جغرافیایی دوم شامل قسمت‌های مرکزی ایران و دامنه‌های رشته‌کوه زاگرس (لرستان) می‌شود،

- منطقه جغرافیایی سوم شامل قسمت‌های شرقی مازندران است که به لحاظ جغرافیایی دشت به‌شمار می‌آید.

هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی و جایگاه موسیقی در فرهنگ‌های عاشیق، توشمال و گودار، و همچنین بررسی کارکردگرایی آنها با رویکرد نظریه مالینوفسکی است. طبق نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی، با محور قرار دادن فرهنگ، شناخت و تحلیل واقعیت‌های اجتماعی صرفاً از خلال فرهنگ امکان‌پذیر است. با توجه به دو مفهوم اساسی در کارکردگرایی، که همان نیازها و نهادها است، سهم فعالیت اقوام در مجموعه اجتماعی آنها مشخص شده است.

سؤال‌های طرح‌شده در این پژوهش:

- آیا فرهنگ‌های مورد مطالعه این پژوهش از نظر جامعه‌شناسی موسیقی شباهت دارند؟

- آیا در نوع موسیقی و سازها و مقام‌های موسیقایی ایشان وابستگی یا عدم وابستگی وجود دارد؟

- آیا محیط جغرافیایی و محل سکونت فرهنگ‌های مورد مطالعه در انتخاب نوع موسیقی ایشان تأثیرگذار است؟

فرضیه کلی این پژوهش این است که عاشیق‌ها، توشمال‌ها و گودارها، با وجود تفاوت‌های بسیاری که بین آنها وجود دارد، از نظر جامعه‌شناسی موسیقی، محیط‌شناسی فرهنگی، اتنوموزیکولوژی و کارکردگرایی از شباهت‌های چشمگیر، و از نهادها و کارکردهای مشابه برخوردارند. همچنین ایشان از موسیقی فولکلور بسیار قوی برخوردارند که باعث غنا و رنگارنگ شدن موسیقی بومی ایران شده است.

## فصل اول عاشیق، توشمال، گودار

### ۱-۱-۱. عاشیق‌های آذربایجان

عاشیق هنرمندی است آگاه و عامل به مسائل دینی و احکام شرعی، انسانی پاکدامن و مورد احترام همه مردم که در غم و شادی آنها شریک است. عاشیق‌های آذربایجان جنبه‌های گوناگونی از فرایند اجتماعی، تاریخی و آداب و رسوم مردم آذربایجان را در خود منعکس می‌سازند. عاشیق مجموع هنرهایی، از جمله شاعری، آهنگسازی، داستان‌گویی، نوازندگی، خوانندگی، بازیگری و لطیفه‌گویی است.

#### ۱-۱-۲. واژه «عاشیق»

«برای واژه "عاشیق" سه ریشه می‌توان در نظر گرفت:

۱. از ریشه عاشق عربی، به معنای دوست دار؛
۲. از ریشه مصدر ترکی آشیلماق، به معنی تلفیق کردن، تزریق کردن؛
۳. از ریشه ترکی ایشیق، به مفهوم نور و روشنایی» (شاهمرسی ۱۳۸۷: ۷۱۱).

### ۱-۱-۳. تاریخچه هنر عاشیق

اجرای موسیقی عاشیقی قدمتی طولانی در بین اقوام ترک دارد ولی شکل‌گیری و زایش هنری عاشیقی را نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد اما به نوعی می‌توان قدمت آن را با حیات و زندگی مردم تُرک همسان پنداشت.

«در موزه ایران باستان و موزه لوور در بخش تاریخ ایلام به مجسمه‌های کوچک نوازندگانی با پیشینه دو هزاره پیش از میلاد برمی‌خوریم که همچون عاشیق‌های امروزی سرپا ایستاده و ساز خود را روی سینه نگه داشته‌اند. چنین نوازندگانی، که مانندشان را می‌توان تنها در آذربایجان و کشورهای ترک‌زبان پیدا کرد، سرنخی از پیشینه هنر موسیقی عاشیقی به دست می‌دهند» (حب وطن: ۱۳۸۹: ۳۶).

### ۱-۱-۴. نیاکان عاشیق‌ها

نخستین گروه مردمی نوازندگان محلی در این سرزمین اوزان‌ها (نیاکان عاشیق‌ها) بودند. اوزان‌ها بازگوکننده درد و رنج مردم بودند که با کار مقدس خویش آنها را بازگو می‌کردند. پس از اوزان‌ها نسل‌های بعد از آنها، عاشیق‌ها، نشانگر موسیقی فولکلور آذربایجان گردیدند (راهگانی ۱۳۷۷: ۶۶۶).

### ۱-۱-۵. معروف‌ترین نوازندگان

در ادبیات شفاهی قدیمی‌ترین عاشیق آذربایجان را «دده قرقود» می‌نامیدند. امروزه نیز اگر عاشیقی به درجات بالا برسد به او لقب «دده» می‌دهند.

### عاشیق قربانی

«نخستین عاشیق که دیوان او به جای مانده عاشیق قربانی است. در عصر شاه اسماعیل صفوی زندگی می‌کرد. این عاشیق بزرگ آذربایجان، که خوشبختانه شعرهای زیادی از او به دست ما رسیده، در احیا و حفظ حماسه‌ها و دلیری‌های دلیرمردان ایرانی شیعه نقش اساسی ایفا کرده است. نقل است هنگام لشکرکشی شاهان صفوی عاشیق‌های آذربایجان با سازهای خود همراه قزل‌باش‌ها به میدان رزم می‌رفتند. آنها حماسه را به رشته نظم کشیده با زبان سازان حماسه را برای آیندگان حفظ می‌کردند» (عبادی قاراخانلو ۱۳۸۹: ۱۵).

نمونه شعر مخمس عاشیقی:

ناگهان گوردو گوزوم	ناگهان تورا دیدم
سن تکی انسانی پری	انسانی مانند تورا، ای پری
حوری سن، ملکه سن	تو حوری هستی، ملکه هستی
جنتین غلمانی پری	یا فرشته بهستی، پری؟
یارالار مرهمی سن	مرهم زخم‌های من
دردلرین درمانی پری	درمان دردهایم پری
گوزل لرسرداری سان	پادشاه خوبانی
محبوب لار خانی پری	سرور زیبایانی، ای پری
شاه کیمین تخته چیخپ	چون پادشاه بر تخت نشست
اندره سن دیوانی پری	سلطنت می‌کنی ای پری» (سفیدگر ۱۳۸۲: ۱۴۸).

مخمس حیدربابا، اثر شهریار:

حیدربابا دنیا یالان دنیادی  
سلیمانان نوحدان قالان دنیادی  
اوغول دوغان درده سالان دنیادی  
هر کیمسیه هر نه وئریپ آلیپدی  
افلاطونان بیر قوری آد قالیپدی

«شعر عاشیق در آذربایجان از نظر فرم بسیار متنوع و متناسب با آهنگ‌های موجود در موسیقی عاشیقی خلق می‌شود. فرم‌های گوناگون شعر عاشیق در وزن‌های هجایی سروده می‌شوند و شعر عروضی کمتر در میان شعرهای عاشیق دیده می‌شود» (حب وطن ۴۱: ۱۳۸۹).